

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

مصاحبه سحر صامت فعال حقوق زنان با سحر سعیدی
۰۶ جون ۲۰۲۰

از سکوت تا فریاد



اکثر زنان و دختران موفق قبل از این که از سوی جامعه سرکوب شود در خانه و میان خانواده به گونه های مختلف مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. از خشونت های فیزیکی و کلامی گرفته تا سوء استفاده های اقتصادی همه این موارد دشواری هایی هستند که به مرور زمان به اکثر زنان فعال ایده فعالیت های بیشتر برای مطالبه حقوق انسانی و اجتماعی را داده است. اما با وصف تمام این مشکلات، امروزه تابو شکنی برای دست یافتن به حقوق اجتماعی و برابری جنسیتی، میان یک تعداد از زنان و دختران فعال در جوامع رو به رشد و توسعه که نظام های مذهبی نیز بر آن جامعه حکومت می کند در ابعاد و گونه های مختلف رشد کرده است.

مهمان مصاحبه این ماه دختر نیست متعلق به دو سرزمین همسایه و هم مرز.

نامش سحر سعیدی است، متولد شهر شیراز ایران. پدرش اهل افغانستان و مادرش اهل ایران است.



سحر تا هفت سالگی همراه با خانواده اش در شیراز زندگی کرده است. پس از جدایی پدر و مادر سحر از یک دیگر، او به همراه خواهر کوچکتر از خودش و پدرش به کشور آذربایجان مهاجرت کردند. سحر می گوید: اولین قدم های خود را در راه موسیقی در شهر باکو گذاشتم و به دور از چشم پدرم آواز می خواندم، تا این که پدرم از این موضوع باخبر شد و مرا به خاطر گناه مرتکب نشده ام در خانه زندانی کرد. به مدت شش ماه در خانه زندانی بودم و حق تماس

با اجتماع را نداشتم. روزهای بسیار دشواری بود برایم، به خصوص زمانی که از طریق دوستان ایرانی ام متوجه شدم مادرم زنده است. در آن برهه سخت حبس خانگی توسط پدرم، تازه متوجه شدم که سالها او به ما دروغ گفته است، پدرم به ما گفته بود که مادرم درگذشته است. از طریق دوستان ایرانی ام فهمیدم که مادرم زنده است و از این که پدرم ما را از دانستن موضوع زنده بودن مادرم محروم کرده بود بشدت ناراحت و عصبانی شدم، تا این که تصمیم گرفتم خانه را برای همیشه ترک کنم.

از سحر پرسیدم چگونه وارد رسانه های افغانستان شدم؟ در سال ۲۰۱۵ پس از ترک خانه پدرم به افغانستان سفر کردم و پس از مدتی با اعلان کاربایی شبکه یک که دنبال مجری زن برای اجرای برنامه های اجتماعی می گشت برخوردیم. پس از انجام تست ها به کار در رسانه یک راه یافتیم. پس از ورود به رسانه نام خانوادگی ام را از سعیدی به آرین تغییر دادم. در محیط کار با دشواری های زیادی روبه رو شدم و آنجا بود که فهمیدم زندگی در یک جامعه زن ستیز چقدر دشوار است. از وقتی که یک تعداد از همکارانم از واقعیت زندگی ام مطلع شدند مرا قضاوت کرده و به چشم یک هرزه پنداشتند که از خانه فرار کرده است. در حالی که نه من هرزه بودم و نه در سنی که از خانه فرار کنم، بلکه به عنوان یک انسان بالغ تصمیم گرفتم و این حق انسانی من بود. آنقدر در محیط کاری مورد آزارهای کلامی، نگاهی و رفتاری قرار گرفتم که مجبور شدم کارم را ترک کنم.

به تشویق دوستانم برای مسابقه آوازخوانی وارد برنامه ستاره افغان شدم. فکر کردم فرصتیست مناسب برای قدم نهادن در عرصه حقوق زنان. از زمانی که وارد پروسه ستاره افغان شدم و با مطرح شدن بیشتر من، تهدید ها از سوی خانواده پدرم که افرادی متعصب و مذهبی هستند، شروع شد. آنها مرا لکه ننگ بر دامن پاک خانواده می دانستند. سحر می گوید دشمنی خانواده پدرم باعث شد افغانستان را ترک کنم. سحر آرین دو آهنگ انتقادی به نام های سنگسار و پرواز کن برای آزادی زنان خوانده است که موجب ایجاد واکنش تعداد زیادی از زن ستیزان شده است. او هم اکنون در ترکیه زندگی می کند و یکی از منتقدین معروف به خاطر وضعیت زنان و همچنان مسایل اجتماعی است.

ارسالی:

ماهنامه "رهائی زن" سری سوم شماره ۸۲